

به نام خدا

میانی لایه نگاری باستان شناختی

ادوارد هریس

ترجمه:

رضا رستمی و سید علی آیرملو

سرشناسه	: هریس، ادوارد سسیل، ۱۹۴۶-م.	Harris, Edward c. (Edward cecil)
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی لایه نگاری باستان شناسی / ادوارد هریس؛ ترجمه رضا رضالو و یحیی آیرملو	
مشخصات نشر	: تهران : نشر سمیرا، ۱۳۹۳.	
مشخصات ظاهری	: ۲۲۸ ص.؛ مصور.؛ جدول.	
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۵۵-۷۲-۹	
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا	
یادداشت	: عنوان اصلی	Principles of archaeological strathgraphy, ۲ nd ed.
یادداشت	: کتابنامه	موضوع : زمین شناسی روش شناسی
موضوع	: حفاری ها (باستان شناسی)	
نسخه افزوده	: رضالو، رضا. - مترجم	شناسه افزوده : آیرملو، یحیی. - ۱۳۶۷. - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ CCY7Y5/542	
رده بندی دیسی	: ۹۱ - ۸۳	شماره کتاب شناسی ملی : ۳۴۴۵۶۹۷

مبانی لایه نگاری باستان شناسی

ادوارد هریس

ترجمه: رضا رضالو و یحیی آیرملو

چاپ اول، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۵۵-۷۲-۹

امور اجرائی: میراث کتاب

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

مرکز فروش: میراث کتاب

تهران: خیابان انقلاب بین وصال و قدس کوچه اسکو

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۳۴۵ و ۰۲۱-۶۶۴۶۶۳۴۸

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤلف

پیشگفتار مترجم

مقدمه

۱۵ فصل اول - مفهوم چینه‌شناسی در علم زمین‌شناسی

۲۳ فصل دوم - مفهوم لایه‌نگاری در باستان‌شناسی

۳۳ فصل سوم - روش‌های حفاری باستان‌شناختی

۴۵ فصل چهارم - روش‌های ثبت اطلاعات در حفاریها

۵۳ فصل پنجم - قوانین لایه‌نگاری باستان‌شناسی

۶۷ فصل ششم - نهشته‌ها به عنوان واحدهای لایه‌بندی

۸۷ فصل هفتم - سطوح مشترک به عنوان واحدهایی از لایه‌بندی

۱۰۷ فصل هشتم - برشهای مقطعی باستان‌شناختی

۱۲۱ فصل نهم - پلانهای باستان‌شناختی

۱۴۵ فصل دهم - ارتباط، فازبندی و توالیهای لایه‌شناسی

۱۶۵ فصل یازدهم - توالیهای لایه‌شناختی و آنالیزهای بعد از حفاری

۱۸۷ فصل دوازدهم - طرحی کلی برای ثبت لایه‌شناختی در حفاریها

۲۰۹ واژه‌نامه

۲۱۷ کتاب‌شناسی

پیشگفتار مولف

ویرایش اول این کتاب در سال ۱۹۷۹ انتشار یافت و چاپ دوباره‌ی آن در سال ۱۹۸۷ صورت گرفت. به خاطر حسن توجه ناشران، این کتاب در سال ۱۹۸۳ با دیباچه‌ای از دانیل مانوکورد^۱ توسط آدا گابوسی^۲ به زبان ایتالیایی ترجمه شد. این کتاب همچنین در سال ۱۹۸۹ توسط زیگنیف کابیلینسکی^۳ به لهستانی ترجمه شد. چاپ اسپانیایی ویرایش جدید این کتاب نیز مورد مقبولیت واقع شده است. مسلماً موفقیت این کتاب چاپ جدیدی از آن را تضمین می‌کند مخصوصاً اینکه تنها کتاب درسی است که به طور کامل به اصول لایه نگاری و باستان‌شناسی اختصاص داده شده است.

در ویرایش جدید تصمیم گرفتیم که حجم کتاب همچنان کم باشد تا بتواند به راحتی در دسترس دانشجویان باستان‌شناسی قرار بگیرد. بخش تاریخی کتاب نسبت به ویرایش اول کم شده، ولی بخش‌هایی که ارزش ماتریس هریس را توضیح می‌دهند بسط و گسترش یافتند. برخی از مواد جدید همراهی لایه‌شناختی سایر باستان‌شناسان را شامل می‌شود که برخی از آنها هنوز انتشار نیافته‌اند.

جلد همراه این کتاب، با عنوان روش‌هایی برای لایه‌نگاری باستان‌شناختی که توسط من و مارلی براون، سرپرست تحقیقات باستان‌شناسی در موزه ویلیام اسبورگ برای انتشار در انتشارات نشر دانشگاهی^۴ پذیرفته شده است. من کتاب‌های ارائه‌ی مثالهایی از کارهای میدانی استفاده از سیستم ماتریس هریس مکمل این کتاب خوان بود و مجموعه‌ای از مقالات نویسندگان مختلف را جمع‌آوری کرده است، از نویسندگانی که اطلاعات جدیدی را برای کتاب حاضر ارائه دادند، سپاسگزارم.

ادوارد هریس

پانزدهم مارس ۱۹۸۹

^۱-Daniele Manacorda

^۲-Ada Gabucci

^۳-Zbigniew Kobylinski

^۴-Academic Press

پیشگفتار مترجم

کتابی که پیش روی شماست بحثی راجع به اصول و فنون اولیه‌ی لایه‌نگاری علمی در باستان‌شناسی است. از زمان چاپ آن تاکنون، تنها منبع راجع به این بحث در باستان‌شناسی بوده است. به خاطر اهمیت این منبع و نویسنده‌ی نام‌آشنای آن، ادوارد هریس، که یک مبدع سیستم ماتریس هریس در لایه‌نگاری است، این کتاب چندین بار در کشورهای مختلف از جمله انگلستان، آمریکا، اسپانیا، کانادا، ایتالیا، استرالیا، ژاپن و لهستان به صورت ترجمه انتشار یافته است. نویسنده برای تهیه‌ی این کتاب از نظر و کارهای باستان‌شناسی بسیاری از محققان استفاده نموده که یکی از نکات قوت این کتاب است. در بخش‌های مختلف کتاب مثالهای روشنی برای فهم لایه‌نگاری آورده شده که هر باستان‌شناسی را قادر می‌سازد تا بدون نیاز به منبع دیگری به راحتی در انواع محوطه‌ها به لایه نگاری علمی بپردازد. این اثر تنها کتابی است که تماماً به بحث لایه‌نگاری اختصاص داده شده و بر همه‌ی اساس‌ها و کشورهای که ترجمه شده به عنوان کتاب درسی دانشگاهی تدریس می‌شود.

آنچه که نتایج یک حفاری باستان‌شناختی را قابل استناد می‌سازد روشهای بکار رفته برای ثبت و ضبط داده‌های حاصل از حفاری است. تا زمانی که نتوانیم یک روش علمی را برای لایه‌نگاری باستان‌شناختی بکار بندیم اغلب نتایج حاصل از حفاری مواجه خواهیم شد که برای تمامی محوطه‌ها یکسان خواهد بود. هر محوطه به روش‌های خاصی از لایه‌نگاری نیاز دارد و تا زمانی که این روشها درست به کار گرفته نشوند به هیچ‌وجه نتایج انتشار یافته را قابل استناد دانست. این کتاب با این هدف برای دانش‌مندان و تمامی کسانی که در یک محوطه‌ی باستان‌شناختی مشغول به کار هستند به نگارش درآمده و با این هدف نیز به زبان فارسی ترجمه شده است.

شاید اولین مباحثی که در مورد حفاری و لایه‌نگاری در ایران انتشار یافت مجموعه مقالاتی بود که در دهه ۷۰ شمسی در مجله باستان‌شناسی و تاریخ، به همت دکتر یوسف مجیدزاده و دکتر عباس علیزاده به رشته تحریر در آمد و از آن تاریخ به بعد در زمینه لایه‌نگاری در باستان‌شناسی، تألیف یا ترجمه‌ای به دانشجویان و محققان ایرانی



عرضه نشده است. امیدواریم این ترجمه بتواند خلأهای این چند سال را در این زمینه پر کند و نیازهای دانشجویان باستان شناسی را در زمینه‌ی لایه‌نگاری که یک اصل مهم در حفاری است بر طرف سازد.

در اینجا بر خود لازم می‌دانیم تا از حسن توجه آقای رنجبرشورابی ناشر این کتاب و تمامی زحمات ایشان تقدیر و تشکر نمائیم که زمینه‌ای برای انتشار این ترجمه فراهم آوردند. از تمامی کسانی که به نحوی سهمی در این کار داشتند کمال تشکر را داریم و از خوانندگان برای ایشان آرزوی موفقیت خواستاریم.

رضا رضالو - یحیی ایرملو

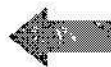
دانشگاه محقق اردبیلی

فروردین ۱۳۹۳

مقدمه

این ایده که سیمای یک محوطه‌ی باستان‌شناختی، به صورت یک لایه یا فیچر بر روی دیگری شکل می‌گیرد، از اولین و مهمترین زمینه‌های پژوهش این محوطه‌ها به وسیله‌ی حفاری باستان‌شناختی است. کتاب حاضر بحثی در مورد اصول لایه‌نگاری باستان‌شناختی است که حفاران در مطالعه‌ی محوطه‌های باستان‌شناختی، هم در طول حفاری و هم در تجزیه و تحلیلهای بعد از آن، به کار می‌بندند. تأکید این کتاب بر روی جنبه‌های گاهنگارانه، توپوگرافیکی و تکراری یا غیرتاریخی لایه‌بندی باستان‌شناختی است. این کتاب فرض می‌کند که لایه‌بندی باستان‌شناختی به عنوان یک پدیده‌ی فیزیکی همسان از محوطه‌ها به محوطه‌ی دیگر رخ می‌دهد. اصول لایه‌نگاری باستان‌شناختی علمی است که با وسایلی آن محوطه‌های باستان‌شناختی می‌توانند به درستی فهمیده شوند، بدین معنی که این اصول و تمامی سایتها قابل استفاده است.

ویژگی لایه‌بندی یک محوطه‌ی باستان‌شناختی، می‌تواند به شرایط فرهنگی و تاریخی مکانی که آن ایجاد می‌گردد، بستگی داشته باشد. مفهوم تاریخی و فرهنگی منحصر به فرد لایه‌بندی باستان‌شناختی، با روشهای باستان‌شناختی عمومی و ترکیب آن با اطلاعات بسیاری از منابع دیگر از جمله مطالعات تاریخی و محیطی تفسیر می‌گردد. استفاده از حقایق ایجاد شده به وسیله‌ی گذشته‌نگاری باستان‌شناختی، مورخان، قوم‌شناسان و بسیاری از دانش‌آموختگان گذشته، به عنوان روشی کلی مطرح شده بواسطه‌ی باستان‌شناس، مسلماً می‌تواند اهمیت یک محوطه را به خوبی شرح دهد. اما اصول لایه‌نگاری باستان‌شناختی باید یک نقش بزرگی را در چنین تفسیری داشته باشد، چونکه آنها ترتیبهای فیزیکی لایه‌بندی باستان‌شناختی را بکار می‌بندند و به باستان‌شناس اجازه می‌دهند تا نظم گاهنگارانه‌ی نسبی را در لایه‌بندی ایجاد شده تعیین کنند. اصول لایه‌نگاری باستان‌شناختی به محوطه‌هایی مربوط می‌شود که لایه‌بندی آن به طور برجسته دارای منشأ انسانی است. تفسیر سایت‌های باستان‌شناختی تشکیل یافته از لایه‌بندی طبیعی یا زمین‌شناختی (در آنهایی که بقایای انسانی یا اشیای مصنوعی پیدا می‌شوند) به وسیله‌ی اصول لایه‌نگاری زمین‌شناختی تعیین می‌شوند. برخی از باستان‌شناسان تصور می‌کنند که اصول لایه‌نگاری زمین‌شناختی برای مطالعه محوطه‌های



باستان‌شناختی با لایه‌بندی انسانی، کافی هستند. این محققان از بازگشت به آن تصورات زمین‌شناختی طرفداری می‌کنند، ذکر ایده‌های ارائه شده در اولین چاپ این کتاب، نمایانگر یک جنبش جدایی طلب غیرضروری است (Farrand, ۱۹۸۴a,b; Collett, ۱۹۸۷). چنین دیدگاهی در دریافت شرح تاثیر غیرعادی که جوامع انسانی بر شکل‌گیری نمای این سیاره داشتند، موفق نمی‌شود. این دیدگاه، در گزارش این حقیقت نیز موفق نمی‌گردد که بسیاری از مشکلات لایه‌شناختی در باستان‌شناسی امروز، به دلیل این حقیقت دارد که ما خیلی پیشتر خودمان را از ایده‌های لایه‌نگاری زمین‌شناختی جدا نکردیم؛ ایده‌هایی که در بسیاری از بافتهای باستان‌شناختی بی‌فایده هستند.

زمانی که انسان در روی زمین شروع به فعالیت کردند، انقلابی در فرایند لایه‌بندی رخ داد که تا آن زمان به وسیله عوامل طبیعی انجام گرفته بود. این تغییر بزرگ حداقل سه جنبه‌ی اصلی داشت: نخست بشر به ساخت اشیایی شروع کرد که از فرایند تکامل ارگانیک بواسطه انتخاب طبیعی پدید نمی‌آمد؛ دوم، بشر به تعیین نواحی ممتاز قابل استفاده‌ی روی سطح زمین شروع کرد؛ سوم، مردم بواسطه برتری فرهنگی بیش از غریزه، شروع به حفاری در روی سطح زمین کردند که عاقبت، ثبت لایه‌شناختی در یک روش غیرتاریخی را دگرگون کردند.

این دوره تکامل، لایه‌نگاری باستان‌شناختی و فرهنگی را از لایه‌نگاری زمین‌شناختی و طبیعی جدا می‌کند. اشیای باستان‌شناختی، برعکس انواع اشیای زندگی امروزی، هیچ مجموعه چرخه‌ی حیاتی ندارند؛ از اینرو وجود آنها در لایه‌بندی، تفاوت‌های تکاملی زمین‌شناختی و دگرگونی حاصله از بقایای فسیلی طبقه‌بندی شده را نادیده می‌گیرند. نواحی ممتاز مورد استفاده، به عنوان مرزهای خصوصی قومی یا ملی به نواحی مورد احترام تبدیل گشتند و چنین نواحی بر طبق علم لایه‌نگاری، در بقایای یک حصار باغ عمومی یا در ساختارهایی از قبیل دیوار بزرگ چین نمایان می‌شوند. این مرزهای نظامی به اراده ما پیشرفت کرده‌اند و به زمینی با نقشه‌های غیر طبیعی تبدیل شده‌اند، از زمانی که بشر یاد گرفت تا حفاری کند (یقیناً، بعد از ابزارسازی، یکی از بزرگترین دستاوردها در پیشرفت بشر است؟)، فیچرهای لایه‌شناختی تولید شدند که هیچ معادل زمین‌شناختی

نداشتند. سرانجام، هر فرهنگ، به تناسب اهداف مختلف، اشکال حفاری خودش را از طریق حفر چاله‌ها و گودالها، برای استفاده از مواد برای برپایی شهرکها و شهرها توسعه داد.

همانطور که جوامع گوناگون از شکلی به شکل دیگر عبور کردند، به طوریکه جوامع چاد، نشین بواسطه‌ی هرگونه رشد در توسعه‌ی مواد فرهنگ انسانی، راه را به ساکنان شهر کردند. یک افزایش نسبی در تراکم و پیچیدگی نهشته‌های لایه‌شناختی نیز در بناهای باستان‌شناختی به وجود آمد. با هر تغییر بزرگ از قبیل انقلاب صنعتی قرون اخیر، اثر لایه‌شناختی زندگی انسانی، بیش از آنکه زمین‌شناختی شود بیشتر به انسان ساخت تبدیل گشت. بحث براساس علم لایه‌شناختی، موضوعی بسیار قدیمی در تاریخ انسانی است که سوال می‌شناختی لایه‌نگاری برای لایه‌بندی انسانی به مدت طولانی قابل دسترس نبودند؛ این علم در آن زمان آغازینی است که جدای از فرایند شکل‌گیری زمین، ادعایی برای «لایه‌نگاری باستان‌شناختی» بوجود آمد.

با شروع زندگی شهرنشینی، مادیات فرهنگی باستان‌شناختی به طور چشمگیری بسیار دگرگون گشت. سرعت رسوب‌گذاری و ساخت ساختمانها بسیار افزایش یافت، به همان اندازه سرعت از هم پاشیدگی دیوارها بالا رفت. این امر به صورت رشد ظرفیت حفاری در زمین و تغییر شکل یافته‌ها به دیوارهای لایه‌شناختی جدید منعکس گردید. این دگرگونی، در لایه‌بندی محوطه‌های روی زمین همان می‌شود و ممکن است در فعالیتهای جدیدی چون استخراج معادن یا ساخت آسمان خراشها دیده شود.

انقلاب شهرنشینی نیز در تحولات فرایندهای لایه‌بندی زمین‌شناختی باستان‌شناختی سهیم بود. اما از آنجائیکه انسانها به لحاظ عوامل زمین‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (Sherlock, ۱۹۲۲)، مفاهیم لایه‌شناختی این بخش، هم در باستان‌شناسی و هم در زمین‌شناسی بسیار کم مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه، بسیاری از باستان‌شناسان هنوز در تلاش‌اند تا لایه‌بندی باستان‌شناختی را برطبق آن قوانینی که متجاوز از یک قرن پیش، برای توضیح لایه‌های شکل گرفته در زیر شرایط رسوب‌گذاری میلیون‌ها سال پیش اختراع شده، از هم بگشایند.



بدین گونه، ثبتهای لایه‌شناختی بسیاری از حفاریها، به ویژه در سایت‌های شهرنشینی پیچیده، بواسطه‌ی رهنمودهای ناقص مبتنی بر تصورات زمین‌شناختی گردآوری می‌شوند. برای این آرشوهای لایه‌شناختی که از بسیاری از این محوطه‌ها بدست می‌آیند، شاید صفت «هرج و مرج»، تعریفی افراطی نباشد. بواسطه‌ی این ثبتهای لایه‌شناختی ناقص و ناکافی، بسیاری از مشکلات از قبیل عدم تهیه گزارشات حفاری در یک دوره معین، در باستان‌شناسی بوجود می‌آیند.

الترجیه‌نگاری باستان‌شناختی اساسی برای نظم و انضباط ما است، اما در دهه‌های اخیر توجه اندکی را به خودش دیده است. از ۴۸۱۸ مقاله استفاده شده در این کتاب باستان‌شناسی، این راهنمای کتاب‌شناختی برای ادبیات پایه‌ای (Heizer et al., ۱۹۸۰)، مجله‌های معروف از هشت مقاله تحت عنوان «لایه نگاری» فهرست شده‌اند. تقریباً تمامی کتب درسی فعلی در باستان‌شناسی تنها یک یا دو صفحه به بیان اصول لایه‌شناختی اختصاص داده‌اند. بیشتر این توضیحات ارائه شده، نسخه‌های قدیمی رهنمودهای زمین‌شناختی هستند. به عنوان نمونه: Barker, ۱۹۷۷; Hester and Sharer and Ashmore, ۱۹۷۹; Grainger, ۱۹۸۲).

چاپ اول این کتاب، اولین مطلبی بود که به صورت کامل در مورد بحث اصول لایه‌نگاری باستان‌شناختی، به ویژه در جایی که فعالیتهای انسانی بر شکل‌گیری لایه‌بندی تاثیر گذاشته است، ارائه شده است. اگر شما نیز مانند پل کامپ (۱۹۸۸: ۱۱۲)، باور دارید که کار یک باستان‌شناس تبیین حقایق است، پس در کتاب‌های آموزشی اساسی‌تر از تبیین حقایق لایه‌شناختی نمی‌تواند وجود داشته باشد. در چاپ دوم، اصول لایه‌نگاری باستان‌شناختی، با این امید که دانشجو بتواند به راحتی روشهای یادگیری یاد بگیرد که بوسیله‌ی آنها، حقایق لایه‌بندی یک محوطه‌ی باستان‌شناختی می‌تواند کشف و ثبت گردد، تلاش کرده‌ام تا مطالب را دوباره سازماندهی کنم.

در چهار فصل اول، یک طرح کلی تاریخی از اصول لایه‌شناختی زمین‌شناسی و باستان‌شناسی، و از تکنیکهای اولیه حفاری و ثبت ارائه شده است. فصل ۵ متفقاً قوانین لایه‌نگاری باستان‌شناختی را آورده است که در چاپ اول به صورت پراکنده ارائه شده بود: لازم است تا ماتریس هریس و ایده‌ی «توالی لایه‌شناختی» نیز در این فصل به خوبی

معرفی کردند. فصل ۶ و ۷ مکمل همدیگرند: در یکی نهشته‌های لایه‌بندی باستان-شناختی و در دیگری ایده‌ی «سطح مشترک» مطرح گشته است که خط تقسیم‌کننده‌ی نهشته‌ها یا برعکس، سطوح آنها است. در دو فصل بعدی به روشهای ثبت برش مقطعی و طراحیهای پلان توجه شده است. فصول ۱۰ و ۱۱ خلاصه‌ای از مراحل فازبندی و تجزیه و تحلیل‌های مصنوعات مرتبط با توالیهای لایه‌شناختی را ارائه داده‌اند. در فصل پایانی خلاصه‌ای از شیوه‌های ساده‌ای ارائه شده است که اگر به صورت پیوسته انجام پذیرد می‌تواند مطمئن سازد که یک مبتدی متوسط با آموزشی اندک می‌تواند حقایق لایه‌شناختی یک حفاری باستان‌شناختی را تبیین کند.

بواسطه‌ی چنین نیت بسیاری از همکاران، توانسته‌ام شماری از تصاویر مهم را به کتاب اضافه کنم که متن من را به بسیاری از نظریه‌های بیان شده در چاپ اول این کتاب، به صورت کاربرد عملی باز کرده است. اگر شما در این چاپ پیشرفتی را نسبت به نسخه‌ی اولیه تشخیص دهید، این را بارز نشان زیادی باید به حساب همکاران من گذاشته شود که ایده‌های اولیه مرا نسبت به نگاری باستان‌شناختی توسعه دادند. شاید تفسیر لایه‌شناختی به عنوان مشکل‌ترین کار باشد که ما به عنوان یک باستان‌شناس با آن مواجه هستیم: برای آن دسته از شما که در صورت آزمون‌ها وارد این نظریه‌ها شده‌اید، امیدوارم این کتاب بتواند شما را مجبور کند تا حتی لایه‌بندی باستان‌شناختی را پیگیری کنید، که البته تنها باستان‌شناسان می‌توانند.

موفق و پیروز باشید.